

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۲۶ می ۲۰۱۹

[اعتباری داشتم]

تا که پیری رُخ نموده نم ندارد دیده ام
با مناجات جهان تنها نبودم با رسوخ
دلبرم در صنف خوبان تیغ جوهردار بود
سرفرازی می نمودم در قطارِ عاشقان
فاعلِ مختار بُوتم در امورِ زندگی
شمع چندین بزم در کاشانه ام در می گرفت
بر مزارم یار اگر می آمد از راهِ وفا
در جوانی ها دو چشم اشکباری داشتم
در خرابات مغان هم اعتباری داشتم
شوخ شهر آشوب و یارِ دلشکاری داشتم
دلبرِ سیمین برِ گلگون عذاری داشتم
با همه بی اختیاری، اختیاری داشتم
این زمان افسرده ام و رنه شراری داشتم
بر نثارش عشقوری مشتِ غباری داشتم